Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 2, Summer 2023, 121-144
DOI: 10.21859/priw-130206

realation political and gender in Islam from the point of view of Naser Hamed Abu Zayd

Roya Mohamadi Porfekr[1], Seyyed Asadolah Athary Maryan[2], Hasan Shamsini Ghyasvand[3]

Date of Received: 2023/01/04 **Date of Acceptance**:2023/06/17

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

Abstract

One of the important challenges of Muslim societies in the face of Western modernity is the situation of women and femininity because the role and position of women in a society is considered as one of the criteria for measuring the growth and development of countries. The text of the Qur'an came out, one of the most prominent of which is Nasr Hamed Abu Zayd Qur'an, a well-known Egyptian scholar whose research we analyze in this article. The main question here is the relation between gender and politics in Islam from his point of view. With a descriptive approach, documents based on the study of the most important works attributed to him and the use of analytical research methods

1. PhD student of Political Science, Department of Political Science, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. Porfekr71@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Takestan Branch, Takestan, Iran (responding author) , Athary.asadolah@yahoo.com

3. Assistant Professor of Political Science Department, Takestan branch, Takestan, Iran. shamsini_h@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

with the aim of producing an excerpt from his political thought have been presented. The findings of this article indicate that from Abu Zayd's intellectual point of view, there is an equal relationship between femininity and masculinity in the political vision of Islam. Their hegemony over women's political and social rights has increased.

Keywords: Nasr Hamed Abu Zaid, hermeneutics, femininity and politics, tradition and sharia, Quran, tradition and modernity

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۴۴ - ۱۲۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۲۰۶

نگاه نصر حامد ابوزید به نسبت جنسیت و سیاست در اسلام

رویا محمدی پرفکر[۱]
سید اسداله اطهری مریان[۲]
حسن شمسینی غیاثوند[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

چکیده

یکی از مسائل مهم جوامع مسلمان چالش بر سر تعریفی امروزین از جایگاه اجتماعی زن و زنانگی و نقش و کارکرد سیاسی - اجتماعی او در روابط و مناسبات حرفهای و مشارکتهای مدنی و حقوقی بویژه در عرصه کنشگری سیاسی است. در مسیر این مواجهه فکری و گفتمانی، اندیشوران جهان عرب بویژه نواندیشان دینی مسلمان در پی تبیین نظری مسئله و ارائه دیدگاه هایی رهگشا با تکیه بر بازخوانی روشمند و استناد و استنباط از متن قرآن و سایر منابع و متون دینی برآمدند. یکی از برجسته-ترین این متفکران در جهان عرب نصر حامد ابوزید، قرآن‌پژوه نام آشنای مصری است که در این پژوهش نظرگاه وی در موضوع چیستی رابطه سیاست و جنسیت در اسلام واکاوی و بررسی شده است. یافته‌های تحقیق با تکیه‌بر مبانی فکری ابوزید مبتنی بر مولفههایی مانند سکولاریزم، تاریخ مندی متون، تفاوت معنا و فحوا، هرمنوتیک فلسفی و رویکرد زبان‌شناختی این اندیشمند نونگر مسلمان حاکی از آن است که در بینش سیاسی اسلام گونه‌ای نسبت تساوی در امر زنانگی و مردانگی در مناسبات اجتماعی - سیاسی برقرار است. ابوزید در این معنا ضمن تلقی زنانگی به مثابه امری اجتماعی با خودداری از نقد گفتمان دینی، به نقد شرایط نابرابر سیاسی -جنسیتی حاکم بر جوامع عربی می پردازد که مردان در بستر دیرینه سلطه تاریخی خود بر فضای مناسبات اجتماعی در شرایطی نابرابر با به کارگیری ابزار قدرت سیاسی، نسبت سیاست و جنسیت را در عمل به سمت فراگیری هژمونی مردانگی بر حقوق سیاسی-اجتماعی زنان سوق دادهاند. مسالهای که در واقع زنان را از موقعیت عاملیتی کنشگر و برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی به تابعی منفعل مبدل نموده است. در این پژوهش بنحوی کیفینگر، از رویکردی اسنادی - توصیفی برای گردآوری و تحلیل داده ها بر پایه مطالعه و واکاوی مهم‌ترین آثار و متون منتسب به ابوزید و مرور استنادی سایر منابع شارح و ناظر به بررسی آثار و افکار او استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: نصر حامد ابوزید، هرمنوتیک، زنانگی و سیاست، سنت و شریعت، قرآن، سنت و مدرنیته

۱. دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی ، واحد یادگار امام خمینی (ره)شهرری،دانشگاه آزاد اسلامی ،تهران،ایران

۲. استادیار گروه جغرافیای سیاسی ، واحد یادگار امام خمینی (ره)شهرری،دانشگاه آزاد اسلامی ،تهران،ایران(نویسنده مسئول)
aliasghar45ad@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

مقدمه

از آغاز قرن نوزدهم میلادی در پی رویارویی فرهنگی و تمدنی اغلب جوامع سنتی با جهان غرب، مسئله حضور سیاسی-اجتماعی زنان و نقش‌آفرینی آن‌ها در عرصه مسائل عمومی جامعه عرب به یکی از مباحث چالش‌برانگیز تبدیل شد. این مواجهه فراگیر که از سویی در مصاف گفتمانی با برخی مولفه های بنیانی فرهنگ و تفکر و سنت دینی اسلامی قرار می‌گیرد، متفکران معاصر جهان اسلام را به کوشش برای بازخوانی منابع فکری اسلام و جهد نظری برای ارائه دیدگاه هایی متفاوت برای مواجهه با چالش پیش رو واداشت. یکی از این متفکران نو اندیش دینی، نصر حامد ابوزید اندیشمند مصری است. ابوزید با توجه به رویکرد مسئله شناختی مبتنی بر متن‌پژوهی دینی و معرفت‌شناسی تفسیرگرای هرمنوتیکی خود بر آن است که در اسلام آزادی زنان به معنای بهره‌برداری از حقوق طبیعی و انسانی آنان، با آزادی مردان و توانایی آنها برای گرفتن حق طبیعی‌شان در همه جنبه‌ها و زمینه‌ها برابر است. با اینحال این آزادی در یک جامعه هنگامی تحقق می‌یابد که پویش کلی جامعه در مسیر تعالی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی توسعه‌مدار و پیشرفت‌گرا قرار گرفته باشد.(ابوزید،۱۳۹۸ :۲۵-۲۲) با این رویکرد تنزل جایگاه زنان بین اعراب نه به سبب فقر و ناکارآمدی شریعت اسلامی، بلکه ناشی از استبداد جنسیتی یا همان سلطه دیرینه مردانگی در این جوامع است که ساحت زنانگی را همچون عنصری بیگانه و رقیب خود تلقی کرده و در معرض سیاست فراگیر حاشیه رانی و انفعال و گوشه‌نشینی قرار داده است. از این‌رو، رویکرد هرمنوتیکی و متن پژوهی ابوزید در پی آن است که اثبات نماید هر نوع تقلیل یا تحقیر نقش زنان عرب در روایت‌های اسلامی با کمک یا خواست سیاست مردانه و با استفاده ابزاری از مفاهیم و معانی آموزه‌های شریعت اسلامی پرورانده شده است و به همین دلیل روایت‌های مسلط ناظر بر روابط جنسیتی سیاست در جامعه عرب را می توان از جمله ابزارهای سرکوب و کنترل زنان دانست. ابوزید استمداد از نظریه‌های هرمنوتیک و زبان‌شناسی متن (قرآن) را از الزامات مطالعه افق و موقعیت تاریخی نزول آیات قرآن می‌داند و موقعیت‌مندی معانی وحی در افق و زمینه تاریخی اجتماع و فرهنگ زمان نزول آن در هرگونه رویکرد تحلیلی و تفسیر از مبانی و مفاهیم شریعت اسلامی را موثر می داند. از این رو، هدف ضرورت‌بخش این پژوهش از یک سو تبیین مفهومی و نظری یکی از مولفه‌های مهم ادبیات اندیشه سیاسی و اجتماعی نوین جهان اسلام به منظور رفع برخی ابهام های معنایی موضوعی در این باره و از طرفی جبران فقدان منابع مطالعاتی کافی در خصوص چیستی رابطه سیاست و جنسیت در اسلام از منظر ابوزید است. به این عبارت، در ابتدا ضمن بررسی روش و رویکرد مطالعاتی و مسئلهٔ شناختی ابوزید و مبناهای فکری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

و تعابیر او از نسبت جایگاه زن در جوامع عربی، در پی پاسخ به پرسش از نسبت و چیستی زنانگی سیاسی و اجتماعی در اسلام برآمده‌ایم. در رویکرد توصیفی تحلیلی این پژوهش، بر اساس ماهیت موضوعی مسئله در دست بررسی، امر سیاسی اجتماعی همچون متغیری مستقل و تاثیرگذار بر بستر مفهومی کارکردی جنسیت در نظر گرفته شده است و به این سبب توصیف و تحلیل اطلاعات برگرفته از منابع داده‌ها نیز به خدمت پردازش محتوایی متن در می‌آید. سازمان محتوای نوشتار، در چهار فراز، ذیل عنوان‌های بررسی پیشینه و ادبیات موضوعی، مبادی مفهومی - نظری، مبانی و مفردات فکری در ارتباط با رابطه هژمونی سیاست بر جنسیت تنظیم و در چارچوب یافته های پژوهش سامان یافته است.

۱-بررسی پیشینه و ادبیات موضوع

اندیشه های کمترشناخته شده ابوزید توجه نویسندگان بسیاری را به خود جلب نموده است به گونه‌ای که با اندک بررسی ادبیات موجود در این باره شاهد کتب و مقالات متعددی در راستای بررسی و شرح و نقد نظریات او از سوی نویسندگان مختلف هستیم. اما با وصف وفور مطالعات صورت گرفته در خصوص اندیشه های ابوزید، با گونه‌ای ندرت و فقدان توجه و تتبع در خصوص اندیشه وی در موضوع و مساله زن و زنانگی در اسلام مواجه هستیم. با این وصف از میان اندک مطالعاتی که با سویه‌های متفاوت به کوشش و کنکاش در باره تبیین این مساله در اندیشه ابوزید پرداخته اند، می توان متونی را یافت که هر کدام بنحوی تلاشی نه چندان رضایت بخش در تصریح مبحث موضوعی مورد اهتمام در این نوشتار تلقی می‌شوند که بدانها مختصر می پردازیم. سمیه توسلی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی و نقد مسئله زن از دیدگاه دکتر نصر ابوزید» با استناد به مبانی فکری این اندیشمند به مسئله زن در اندیشه او پرداخته و رویکرد او را در خصوص احکامی مانند ارث، حجاب، ازدواج و طلاق بررسی کرده است. یافته‌های توسلی حاکی از آن است که در باور ابوزید احکام مذکور مختص عصر نزول بوده است و در جهان امروز کارایی ندارد. وی ضمن نقد اندیشه و روش مطالعاتی ابوزید، بررسی مسئله زن در این میان را صرفا از زاویه اجتماع مورد توجه قرار داده است.

در پایان نامه کارشناسی ارشد مهرانگیز نعمتی (۱۳۹۸) با موضوع «بازخوانی فلسفه متون دینی در باب حقوق زنان از منظر نواندیشان دینی» ضمن پذیرش زن به‌عنوان شاخص مدرنیته در نگاه نواندیشان مذکور، بر تأثیر فرهنگ زمان نزول قرآن به عنوان معرف و بازتاب جایگاه زن در متون دینی تأکید می‌شود. بنابراین مطالعه تاریخ و واقعیت عصر نزول برای دریافت پیام ادیان ضرورت می یابد و بر این اساس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

تعریف جنسیت و جایگاه زن در اندیشه صاحبان این گفتمان و همچنین نقش اجتماعی زن مورد بررسی قرار گرفته است.

راضیه موحدی نیا (۱۳۹۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد «نقد نگاه تاریخی به احکام فقهی با تأکید بر دیدگاه نصر حامد ابوزید در حوزه حقوق زنان»، روش مطالعاتی تاریخی ابوزید نسبت به احکام فقهی در خصوص مسائل مربوط به زنان را مورد نقد، بررسی و رد قرار داده است. در این بررسی، احکام فقهی همچون ارث، طلاق، حجاب و ازدواج از دید ابوزید به عنوان عامل تضعیف کننده جایگاه زنان و مانع حضور اجتماعی آنها در جامعه معرفی گردیده است.

در مقاله «رهیافت جامعه شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن در جهان معاصر عرب» (فاطمه جان احمدی و دیگران، ۱۴۰۰) نگارندگان با مطالعه آثار ابوزید، در پی یافتن مولفه‌های تاویلی ابوزید و راه حل او برای مساله زن هستند و یافته های آنها حاکی از آن است که ابوزید با توجه به تاریخ‌مندی و توسل به سکولاریسم در قانونگذاری به حل مساله زنان پرداخته است.

نادیا آویدات (۲۰۱۳) در پایان نامه دکتری « نصر حامد ابوزید و حدود اصلاحات در اندیشه اسلامی معاصر» پنج موضوع در اندیشه حامد ابوزید را مورد بررسی قرار داده است که یکی از آن مباحث حقوق زنان است او در این بخش به اشتراک نظر ابوزید با متفکرانی چون محمد عبده و دیگران می پردازد و در راستای اثبات اندیشه های ابوزید و نقد متکلمان دینی مختصر گونه می پردازد و معتقد است ابوزید از همان ضعف هایی که دقیقا از سوی آنها مورد حمله قرار گرفته، رنج می برد.

نور زینت الندرازینول (۲۰۱۴) در مقاله « نصر حامد ابوزید به عنوان یک متفکر مسلمان مدرن» به اندیشه ابوزید در علم کلام به ویژه قرآن و تفسیر چند موضوع فقهی مانند تعدد زوجات و حجاب پرداخته است.

بنا به بررسی منابع و متون موجود در خصوص اندیشه سیاسی و دینی حامد ابوزید و واکاوی جلوه های توجه او به نقش و جایگاه اجتماعی و سیاسی زن در اسلام، آنچه این نوشتار را از سایر متون و منابع موجود متفاوت می سازد، کوشش آن برای فراتر رفتن از سطح بررسی صرفاً فقهی و کلامی منظر ابوزید در خصوص زنانگی در اسلام و ارتقاء تمرکز تحلیلی پژوهش بر برجسته ساختن تلقی دینی حامد ابوزید از حقوق و جایگاه اجتماعی و سیاسی تصریح شده زن در آیات قرآنی و متون و نصوص سنت و شریعت اسلامی است و اینکه در مسیر تحولات و تعینات تاریخی دین‌داری در بین اعراب، چگونه این حق و حقوق دینی مصرح نسوان دچار چالش سرکوب‌گر سلطه مردان و تحکمات جنسیتی و قواعد و مناسبات وضعی و رویه‌ای و رفتاری حاشیه ساز آنان شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

۲- چارچوب مفهومی - نظری

بنا به ضرورت تبیین مبادی مفهومی - نظری این پژوهش در ابتدا به ارائه تعریف گزیده‌ای از مفاهیم کلیدی پژوهش یعنی سیاست، جنسیت و هرمنوتیک می پردازیم.

۱ -۲- سیاست

قدمت و پیشینه دانش‌واژه «سیاست»[1] به یونان باستان می‌رسد و آنگونه که اشاره می‌شود ریشه معنایی سیاست از واژه یونانی «پولیس»[2] به معنی شهر گرفته شده است. (عالم، ۱۴۰۱: ۲۳) در تعاریف مختلفی که از مفهوم سیاست در دست است یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن، عنصر قدرت معرفی شده است. (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۲) . شاید به همین دلیل است که با استنباط از مجموعه‌ای از تعریف های ابراز شده در باره این مفهوم بتوان چنین گفت که از جمله معانی مفهومی دانشواژه سیاست آن نحوه‌ای از تعریف و تدبیر و تمشیت و مدیریت روابط قدرت و کنشگری و تعامل در عرصه سیاست و حکومت است که در چارچوب مناسبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی میان دولت و جامعه و نظام بین الملل امکان و اتفاق می‌یابد. در جهت همین تلقی است که با توجه به اهمیت تعیین‌کننده شاخصه قدرت در تعریف سیاست می توان گفت رهبری روابط میان افراد، گروه‌ها، احزاب و امور مملکتی در داخل کشور و روابط با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی توسط نظام سیاسی را سیاست گویند به عبارت دیگر هسته و مرکز ثقل سیاست از قدرت تشکیل شده است. (Mclen, 1996: 388-389)

از این‌رو، سازمان دولت با کاربرد عناصر قدرت است که امور جامعه را اداره می‌کند تا از این رهگذر روابط بین محیط سیاسی و جامعه را تنظیم نماید. (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۲۲۹).

۲-۲- جنسیت

نقطهٔ آغاز بحث از جنسیت را می‌توان آغاز تمایز نظری بین «جنس»[3] و «جنسیت»[4] دانست. در حالی که جنس به‌عنوان عاملی بیولوژیکی به عضویت فرد در دسته‌های نر و ماده یا مابین این دو اطلاق می‌شود، «جنسیت» شامل خصوصیاتی است که از اعضای دسته‌های مذکور در قالب مردانگی، زنانگی و ویژگی‌های مرتبط با آنها تصور می‌شود. (انلو، ۱۳۷۶: ۴۲۸) در حقیقت، جنسیت مجموعه تصوراتی

1. Politic
2. Polis
3. Sex
4. Gender

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

است که به طرز و طرق رفتار و مناسبات اجتماعی و فرهنگی برساخته می‌شوند و بر خلاف مقوله‌های جنسی که اساساً بیولوژیکی‌اند، ماهیتی جوهری، ثابت و دائمی ندارد.

۳-۲- نسبت قدرت و جنسیت در سیاست

در رابطه میان قدرت و جنسیت از عصر کلاسیک تا به امروز، سرکوب به‌عنوان وجه بنیادین از سوی قدرت (دولت) بر جنسیت حاکم بوده است و آن را تحت کنترل داشته است. (فوکو، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹) و در این میان در حقیقت مردان با استفاده از همین عنصر قدرت نظم جنسی خاصی را به نفع مردانگی در جوامع برقرار نموده اند تا از این رهگذر دولت ها ارتباط خود را با مردانگی حفظ نمایند و از طرفی در این ارتباط با برقراری تقسیم کار جنسیتی در کشورها، زنانگی را به انزوا کشانند.

۴-۲- هرمنوتیک

با توجه به آنکه ابوزید در منظر روش شناسی خود با تکیه بر رویکرد هرمنوتیک فلسفی به شرح و تفسیر و درک جدیدی از خوانش متون دینی بویژه در خصوص نقش و جایگاه زن در عرصه کنش اجتماعی و سیاسی در اسلام رسیده است و به واسطه اندیشه کلامی خود به لحاظ معرفتی به فتح باب مبحثی جدید در باره نگرش به جایگاه زن در قرآن بین اندیشمندان اسلامی دست زده است، در اینجا بنحوی مختصر به روایتی از چیستی هرمنوتیک در جهت تصریح رویکرد روشی ابوزید اشاره می شود.

در ریشه‌شناسی واژه هرمنوتیک آن را برگرفته از «هرمس»[1] خدای اساطیر یونان باستان می‌دانند با اشاره به اینکه از کارکردهای «هرمس» آن است که هر آنچه را برای شناخت و اندیشه انسانی لازم است به حوزه تفکر انتقال می‌دهد و با استفاده از کشف رمز معنای نهفته در پس هر چیزی را برملا می کند. شاید در امتداد این تلقی است که برخی نظریه هرمنوتیک را علم تفسیر کلام دیگران، نیت گوینده و نویسنده می‌دانند. (منوچهری، ۱۴۰۰: ۲۳) و برخی آن را چارچوبی نظری می دانند که فهم یک چیز یا موقعیت مبهم را امکان‌پذیر می‌نماید. (پالمر، ۱۴۰۱: ۲۰) بنا به این تعریف و تلقی هاست که می‌توان گفت هرمنوتیک کوششی است برای دستیابی به فهم عبارات مفهومی، گفتاری، نوشتاری و خوانش و فهم گفتمانها از دریچه تفسیر و کشف معانی مندرج در متون که از جمله شامل متون دینی نیز می‌شود. از این‌رو و از این منظرمعنایی است که هرمنوتیک می تواند کمک شایانی در فهم و تبیین صحیح متون

1. Hermes

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

دینی نماید. گویی به همین دلیل است که نظریه هرمنوتیک به مثابه یک شیوه تفسیر متن و معنا از دوران کهن برای خوانش و تفسیر نصوص دینی در میان مسیحیان و مسلمانان مطرح بوده است. (ر.ک: خسرو پناه،۱۳۸۸: ۱۲۱) بحث اصلی هرمنوتیک بر سر آن است که جریان فهمیدن چگونه صورت می‌گیرد. نقطه معنا چگونه از عالم شخصی به عالم شخص دیگر منتقل می‌شود و به‌دنبال این‌گونه پرسش‌ها مباحثی در باره معرفت عینی، فهم قبلی، امتزاج افق‌ها، نقش پیش‌فرض‌ها در فهم، بهتر فهمیدن، فهم کامل، تکامل و رشد معرفت، نقادی متن، نیت مؤلف و ده‌ها مسئله دیگر در این علم طرح و بحث و بررسی می‌شود.

از نظر روند تحول تاریخی می توان هرمنوتیک را به سه دوره کلاسیک، مدرن و پسا مدرن تقسیم کرد. هرمنوتیک در کلاسیک و در آغاز به عنوان نظریه تفسیر کتب مقدس مورد توجه قرار می‌گرفته است. (درخشه،۱۳۹۳: ۴۳) اما پس از خارج شدن کتاب مقدس مسیحیان از سیطره کلیسا، توسط شلایرماخر و ویلهلم دیلتای مباحث هرمنوتیک وارد مرحله جدیدی شد و شلایرماخر سعی کرد آن را در تفسیر متون غیرمذهبی نیز به کار بندد. (بلایشیز،۱۳۹۳: ۷) پس از آن بود که دیلتای هرمنوتیک را همچون رویکرد روش‌شناختی علوم‌انسانی در مقابل علوم طبیعی در نظر گرفت تا به وسیله آن بتواند به نیات، اهداف، آرزوها و ... افراد سازنده تاریخ پی ببرد. (احمدی علی‌آبادی،۱۳۸۴: ۲۱۳) در این دوره باور بر آن بود که یک معنای غایی و یک فهم نهایی از اثر وجود دارد که وظیفه مفسر در این راستا بررسی نشانه‌های درون متنی و اصلاح روش تفسیر است تا بتواند معنای نهایی را دریابد.(احمدی،۱۳۷۲: ۶۸۴-۶۸۲)

هرمنوتیک فلسفی یا مدرن، در قرن ۲۰ میلادی توسط مارتین هایدگر و هانس گئورگ گادامر، پل ریکو و ... پا به عرصه گذارد. هایدیگر هرمنوتیک را از روش به فلسفه یا همان وجودشناسی سوق داد. (کاپلستون،۱۳۸۵: ۴۰۰) او در جستجوی پاسخی به ابهامات هرمنوتیک کلاسیک، انسان را مورد مطالعه قرار داد و تمام تلاش خویش را صرف شناختن هویت وجود موجودی کرد که موجودیت آن به فهم و دانستن است. (Frank, 2021) او معتقد بود مسئله وجود در سنت مابعدالطبیعه غرب به درستی بررسی نشده است و فکر فلسفی با فراموش کردن بحث خود، علت وجودی خویش را از دست داده است. هدف پرسش فلسفی هایدگر، روشن ساختن معنای وجود است. او سوال من چیستم؟ را بر پرسش من چگونه می‌فهمم؟ مقدم می‌شمارد و از این طریق، پاسخ هرمنوتیک کلاسیک به سوال من چگونه می‌فهمم را غیر بنیادی دانست و معتقد بود که ماهیت من، با دیگری متحد است. به باور هایدگر، انسان در جهان پرتاب می‌شود و همه هستی او به نقطه‌ای که در آن پرتاب شده است بستگی دارد بنابراین هستی شناسی فهم موجودات با تأمل در «بودن در» نه «بودن با» آغاز می‌شود یعنی برای شناخت باید

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

از «بودن در جهان» شروع کرد نه «بودن با دیگری» که از ذهنیت خود ما نسخه‌برداری می‌شود.(هادوی تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۹۳-۱۹۵) همانگونه که می بینیم وی در این شیوه به سمت هستی‌شناسی رفته است. پس از او شاگردش گادامر با ادامه راه استاد (هادوی تهرانی، ۱۳۸۴: ۱۲۰) از هرمنوتیک برای فهم نیاتی که ورای فعل و خواست وجود دارد، استفاده می‌برد و منطق و عوامل تأثیرگذار در تحقق این نیات را مورد بررسی قرار می‌دهد. (Gadamer,1975: 43-3) بر اساس دیدگاه گادامر هرمنوتیک یک متن، در جریان فرهنگ‌ها و سنت‌ها نمودهای مختلفی دارد و پیام‌های متناسب با آن فضای فرهنگی را به مخاطبان خود تحویل می‌دهد درواقع، مخاطبان و فضاهای ذهنی و شرایط گوناگون فرهنگی آن‌هاست که به متن معنا می‌بخشد؛ ازاین‌رو هر کس هر چه از متن درک کند اگر متناسب با فضای فرهنگی او باشد درست خواهد بود. از سویی، پل ریکور با ممزوج کردن هرمنوتیک با فرهنگ، هرمنوتیک فرهنگی را ارائه می‌دهد. (ریکور،۱۳۸۴: ۲۱۳) در این دوره به جای تلاش برای روش‌مندسازی شیوه فهم، بحث از ماهیت فهم به میان آمد و فیلسوفان این عصر در صدد اثبات این نکته بر آمدند که چیزی به نام فهم نهایی و مولفه ای تحت عنوان نیت مولف مطرح نیست. بلکه فهم آن چیزی است که در اندیشه مفسر نقش می بندد و فهم هر مفسر، ریشه در زمانه، جامعه، فرهنگ و تربیت او دارد و این عوامل، محدوده عملکرد ذهن مفسر را ناخودآگاه در حصار می گیرد، به گونه‌ای که او نمی تواند بیرون از این دایره بیاندیشد و بفهمد، بنابراین فهم امری اتفاقی و مسبوق به پیشینه تاریخی مفسر است که به شکل یک رویداد، درون ذهن وی شکل می گیرد و به هیچ روی قابل کنترل و تعریف در قالب روش و راهکار نیست و از آنجا که برداشت هر خواننده منحصر به خود اوست، به تعداد خوانندگان یک متن، فهم های متفاوتی وجود دارد.

در مرحله بعد به هرمنوتیک پسامدرن می‌رسیم که در آن کوشش بر آن است که بتوان با ارائه شیوه و راهکاری خاص به فهمی یگانه دست یافت. در این دوره است که افرادی چون «ایمیلیو بتی» و «اریک هرش» با نقد نظرگاه‌های هرمنوتیکی هایدگر و گادامر سعی در احیای آموزه‌های تاویل شناسی کلاسیک دارند.(Ahmad, 2020) آنها اعتقاد دارند که در تفسیر متن، دو برداشت مستقل از یکدیگر وجود دارد: نخست معنایی که از واژگان متن دریافت می شود و دیگری شواهد آن معانی در درون اثری که تفسیر می شود. اینان معتقدند با آنکه معنای لفظی همواره ثابت است اما شواهد معنا، در هر دوره ای فرق می کند. مثلا با وصف آنکه معنای قلم در یک دوره به قلم نی اطلاق می شود و در دوره دیگری به مداد زغالی و زمانی به خودنویس اطلاق می‌شود، اما در تمامی این سه دوره معنای قلم یک چیز بیش نیست، یعنی وسیله ای که برای نوشتن بکار می‌رود. پس به این ترتیب، با به کارگیری و پیرایش روش است که ضمن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

نفی دریافت های نادرست و لغزان می توان به درجه ای از فهم دست یافت که درست تر از بقیه و نزدیک تر به خواسته آفریننده اثر باشد.(واعظی،۱۳۹۳: ۴۸۱)

نگاه هرمنوتیکی حامد ابوزید

در رویکرد حامد ابوزید، نسبت مفهومی و روشی در نگرش نظری به کار رفته برای بازخوانی متون دینی با استفاده از دانش هرمنوتیک و با هدف ارائه تفسیرهای جدید از فحوای قرآن کریم از سویه مسئله‌شناختی تفسیری آن است و این رویکرد منجر به آن شده است که هرمنوتیک فلسفی ابوزید حامل نگرشی امروزی برای فهم و تفسیر قرآن باشد. بنابر این طریق است که ابوزید توانسته است با تکیه بر روش های متن پژوهی و زبان شناسی، قرائتی جدید از قرآن ارائه دهد. به باور او از آنجا که هیچ متنی بدور از زمان و مکان خود به وجود نمی آید (ابوزید، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۹) میان متن و فرهنگ رابطه‌ای دیالکتیکی برقرار است و این مسئله نشانگر آن است که احکام در ارتباط با فرهنگ زمانه نزول خود معنا می‌یابند و به همین دلیل امروزه برخی از احکامی که در گذشته کارایی داشته‌اند با از دست دادن موضوعیت زمانی خود متروک مانده‌اند (Nur, 2012)(Nur& Latifah,2014) و در این‌باره، می‌توان به تعدادی از مفاهیم قرآن همچون جن و شیطان و ... اشاره کرد که به دلیل عدم سازگاری با علوم عصر حاضر نادیده گرفته می‌شوند. (واعظی، ۱۳۹۳ : ۲۹۸-۴۸۶)

۳-مبانی فکری حامد ابوزید

۱-۳- سکولاریسم

از آنجاکه ابوزید معتقد است مبنای سکولاریسم بر محوریت عقلانیت استوار است (کمالی اردکانی، ۱۳۸۰ :۱۰۳) و عقل، یگانه ابزار فهم محسوب می‌شود، از این روی او بر تحکیم عقلانیت به‌عنوان تنها راه شناخت، نه فقط با گفتار بلکه با تمامی ابزارهای ممکن تأکید دارد. (ابوزید، ۱۹۹۲: ۱۶۴) در نگاه او اسلام دینی سکولار است. (ابوزید، ۱۹۹۲ :۳۷) زیرا در زمان پیامبر اکرم (ص) امور دینی و دنیوی به طور کامل منفک از هم بوده است. مسلمانان از همان آغاز دریافته بودند که نص دین مختص قلمروی خاصی از امور است. لذا تصمیم‌گیری برای قلمروهای دیگر از سوی شرع به خرد واگذار شده بود تا بر اساس مصلحت در خصوص آنها تصمیم گرفته شود. (ابوزید، ۱۹۹۲ : ۷۸)

ابوزید با تفاوت قائل شدن میان دین و معرفت دینی، با آنکه دین را امری مقدس و از نظر تاریخی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

قطعی تلقی کرده است اما معرفت دینی را فهمی بشری از دین می‌داند. از این رو، او اجتهادهای بشر درباره دین را قطعی نمی داند و نسبت آن را از یک عصر تا زمانه‌ایی دیگر قابل دگرگونی می‌داند. به باور او عدم توجه به این مسئله موجب شده است تا تفسیرهایی که در هر عصری از دین صورت می‌گیرد، عین دین تلقی شود و گاهی فهم یک عالم، بر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه به‌عنوان تفسیر رسمی از اسلام، سیطره پیدا کند. در صورتی که معرفت دینی، بشری است؛ در باور او تفسیر سکولار از نص بهترین نوع معرفت دینی تلقی می‌شود و مسائل دنیوی با رجوع به علوم بشری قابل‌حل است. (Adalat Nejat,2001 : 27)

۲-۳-تاریخ‌مندی متون

ابوزید با نگرش تاریخی به حوادث و پدیده‌های مربوط به انسان، همه چیز را مولود شرایط تاریخی خودش می‌داند که فقط در همان قالب تاریخی قابل‌درک و فهم تشخیص است. این نگرش هر انسانی را در شرایط ویژه خود محدود می‌کند و گذشته و آینده‌اش را متفاوت از دیگران می‌داند. (عرب صالحی، ۱۳۹۳ : ۴) از این رو، ابوزید متن را محصول فرهنگ می‌داند و قرآن را به‌عنوان متن زبانی، به فرهنگ خاص خود وابسته می‌پندارد. بدین‌گونه او قرآن را کلام خداوند می‌خواند و آن را با ساختار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی عصر نزول مرتبط می‌داند. (ابوزید، ۱۳۹۲ : ۱۴۸) بنابراین بسیاری از مسائل آن را مختص همان جامعه و تحت‌تأثیر حوادث و مسائل آن زمان تعریف می‌کند.

به باور او از آنجا که احکام اسلامی با عصر نزول ارتباط دارد و چون قرآن نص مطلق است. (Adalat Nejat,2001:253) برای فهم قرآن الزام به مطالعه فرهنگ نزول آن است زیرا متن تابع فرهنگ زمانه خود است و همواره باید در هر دوره به تأویل آن پرداخت. به باور او تاریخ‌مندی قرآن یعنی بازخوانی بافت تاریخی نزول قرآن که برای فهم عمیق سطح معنایی و چشم‌اندازهای مفهومی آن ضرورت دارد. (ابوزید، ۱۳۹۷: ۱۹) با این وصف با متنی فرهنگی و تاریخی که محصول تعامل با واقعیت زنده تاریخی است مواجه هستیم. (ابوزید، ۱۳۹۸ : ۱۴۵) و این دیالوگ متن مقدس و جامعه به رابطهٔ دیالکتیکی منجر شده، درنتیجه طبیعی است که با به‌وجودآمدن شرایط جدید، گفتگوی نوینی شکل گیرد تا با گذر زمان، اجزای تاریخی به یک شاهد تاریخی بدل شود. (ابوزید، ۱۳۸۳ :۲۸۶ ـ ۳۰۹) برای مثال در جامعه قبیله‌ای مبتنی بر برده‌داری زمان رسول خدا (ص) با احکام زیادی مواجه هستیم که در دنیای کنونی مصداق نمی‌یابد. (Abuzayd,2000: 121)

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

از جمله موارد قابل‌بحث دیگر حقوق زنان است که با توجه به عصر نزول قرآن و مقایسه آن با عصر حاضر، نیازهـای اجتمـاعی کنونی زنان عرب را پاسخگو نیسـت و لذا احکام فقهی و حقوقی زنان در این جوامع نیازمند نوسازی، تجدیدنظر و هماهنگی با فرهنگ و عرف زمانه است و باید همواره همراهی برای اجرای ضـوابط حقوق بشر به‌عنوان دستاورد تجربه و عقل مدرن باشد. بر پایه چنین نگرشی است که به باور ابوزید اگر پیـامبر (ص) در سرزمینی دیگر، بین مردمی دیگر با رسم و رسومی متفاوت ظهور می‌کرد، در عین اینکه مقاصد شریعتش بدون تغییر حفظ می‌گردید، تعداد کثیری از احکام نیز تغییر می‌یافت، ولی اسلام همچنان همان اسلام بود.

۳-۳-تفاوت معنا و فحوا

به باور ابوزید برای فهم متن، باید دو گام پیمود: یک گام بازگشت به معنا در بافت تاریخی و فرهنگی است که در مبحث تاریخ مندی متون آورده شد، و دیگری دریافت فحوای متن در بافت زمان حاضر است. (ابوزید، ۱۹۹۲ : ۲۳۰) او معتقد است معنا، جنبه تاریخی دارد و با شناخت دقیق زبانی – متنی و بافت فرهنگی و اجتماعی بیرون متنی، می‌توان به آن دست‌یافت. در اینجا با آنکه فحوا از معنا جدایی‌پذیر نیست؛ اما محصول قرائت زمانه‌ای غیر از زمانه نص است. بنابراین معنا ایستا و فحوا بسته به تغییر افق قرائت، جنبه پویایی دارد. (ابوزید، ۱۳۹۹: ۳۰۳) پس با آنکه معنا تاریخ‌مند است، ولی فحوا محدود به زمان نص نیست. از این‌رو، معنا ثبات نسبی دارد، اما فحوا با دگرگونی شیوه‌های خوانش دگرگونی می‌یابد هرچند به دلیل پیوند با معنا این دگرگونی قانونمند است. (ابوزید، ۱۹۹۲: ۵۶)

بنابراین، توجه به بافت تاریخی اجتماعی عصر نزول این امکان را به ما می‌دهد که قوانین الهی را از آداب و رسوم پیش از اسلام تفکیک کنیم و میان معانی و دلالت‌های تاریخی برگرفته از بافت و فحوایی که معنا در بافت تاریخی اجتماعی تفسیر آن را نشان می‌دهد، تفاوت قائل شویم. (ابوزید، ۱۳۹۸: ۱۴۹)

۴-۳- نگاه زبان‌شناختی

سوسور یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان و زبان شناسان ساختارگرا ارزش معنایی هر دال را از طریق جایگاه آن در ساختار زبان معنا می‌کند. در اندیشه او زبان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که اندیشه را انعکاس می‌دهد و چون این علائم قراردادی و اختیاری هستند، بنابراین میان دال و مدلول رابطه همیشگی وجود ندارد؛ بلکه آنچه به علائم موجودیت می‌دهد نظام معرفتی جامعه است و در این میان از آنجا که فرهنگ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

نیز مانند زبان یک سیستم دلالت گرا است، جهان به‌عنوان یک متن توسط فرهنگ و ساختار فرهنگی جامعه معنا می‌شود. (ر.ک؛ حقیقت،۱۳۹۸:۱۳۹۱) بر پایه این رویکرد است که می‌توان روابط اجتماعی در جوامع ابتدایی را نیز مانند ساختارهای زبانی در نظر گرفت و به‌گونه‌ای بررسی کرد، که بدون ورود به مباحث عمیق ساختارگرایی از روابط بین اجزا با ساختار، همچون یک کل به عناصر منفرد نظام معرفتی آن پی برد. (سوسور، ۱۳۸۶:۱) در این نگرش، زبان می‌تواند در به قدرت رسیدن گروهی یا تضعیف گروه دیگر نقش مؤثری ایفا نماید. (یورگنسین، ۱۳۹۴: ۱۱۵-۱۱۰) و در خلق و بازتولید روابط نابرابر قدرت میان گروه‌های اجتماعی همچون زنان و مردان مؤثر باشد این تأثیرات، ایدئولوژیک پنداشته می‌شود و مناسبات قدرت نابرابر را آشکار می‌سازد.

به باور ابوزید از آنجا که زبان دارای کارکردی نشانه‌شناختی است، هر متنی آینه زبان و فرهنگ مؤلف خود است. البته او ضمن تأکید بر رابطه دیالکتیکی متن و واقعیت، معتقد است قرآن انعکاس صرف واقعیت زمانه نیست بلکه در ابتدا به بازسازی واقعیت زمانه می‌پردازد و عناصر منفی آن را به کناری می‌نهد و عناصری نیز به آن می‌افزاید و سپس بر فرهنگ جامعه حاکم می‌شود و واقعیت پیرامون خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین باید برای فهم آن از روش تحلیل زبانی بهره گرفت. (ابوزید، ۱۳۹۸: ۱۳)

ابوزید از سوی دیگر معتقد است زبان عربی به‌عنوان عاملی مؤثر بر جایگاه زنان، در جامعه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این زبان چون فاقد کلمات خنثی است هم در مفاهیم و هم در ساختار نحوی جنسیتی است و بر این منوال در این زبان این مردان هستند که چه در شناسایی افعال و چه در اسامی جنسیت غالب به حساب می آیند. بر این پایه زبانی، زنان غیری شناخته می‌شوند که هویتشان با بودن یک مرد در جمع آنها تعریف می‌شود و این نگاه در بافت دوره جاهلی که متن قرآن در آن نازل شده است، غالب است. از این‌رو، بی‌توجهی به این نکته باعث خطا در تفاسیر و ارائه چهره‌ای مخدوش از زن مسلمان عرب در قرآن شده است، هرچند با آگاهی از این امر و توجه به آن، می‌توان چون دیگر زبان‌هایی که به اصلاح زبان خود پرداخته‌اند، به سمت اصلاح این نوع از اجحاف فرهنگی حرکت کنیم اجحافی که از موانع حضور کنشگرانه زنان در جوامع عربی به‌حساب می‌آید.(ابوزید، ۱۳۹۷: ۳۴)

از آنجا که در عصر نزول قرآن زن بین اعراب از نظر قدرت مادی و معنوی در پایین‌ترین سطح خود بوده است. بنابراین، تأثیرگذاری زبان هم از حیث متن و تبدیل‌شدن آن به فرهنگ و استمرار آن در طول زمان از حیث کردار اجتماعی قابل‌توجه است در این دوره منازعات معنایی در صورت‌های مختلف در اجتماع نمود داشت به‌گونه‌ای که تمامی کردارهای اجتماعی افراد و گروه‌های سیاسی را در برمی‌گرفت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

ویژگی مشترک کردارهای زبانی و غیرزبانی، برجسته ساختن خودی و به حاشیه راندن دیگری است. (سلطانی: ۲۴) این مطلب را می‌توان با توجه به رفتار اعراب عصر نزول قرآن دررابطه‌با زنان مشاهده کرد محروم کردن زنان از مشارکت در امور مالی، رفتار خشونت‌آمیز با آنان در حد زنده‌به‌گور کردن و سایر رفتارهایی که مردان عصر نزول در قبال زنان اعمال کردند نشان‌دهنده تحقیر زن به‌حساب می‌آید که در رابطه جنسیت و سیاست (قدرت) تأثیر و نقش سیاست بر جنسیت را به نمایش می‌گذارد.

٤- یافته های پژوهش

۱-۴-تساوی مردانگی و زنانگی در قرآن

در نگاه ابوزید، مباحث مربوط به زن به دلیل دارا بودن شأن انسانی باید همتراز با یک مرد موردتوجه و بررسی قرار گیرد. او قائل به تفاوت بیولوژیکی بین زن و مرد است، اما این تفاوت را به‌اندازه‌ای نمی‌داند که ساحت انسانی زن به فراموشی رود. (ابوزید، ۱۳۹۷ :۷۸) او در بررسی متون دینی در خصوص مساله زنان، تساوی زن و مرد را بسان یک مؤلفه مهم در گفتمان قرآنی می داند (ابوزید، ۱۹۸۴ : ۶۹) و آن را بر پایه این استدلال می‌نهد که در قرآن به وضوح مسأله مسئولیت و عقاب آدم و حوا در امور اخروی و دینی آمده است.(ابوزید، ۲۰۰۴: ۲۰۹)

به باور او تفاوت قائل شدن بین زن و مرد نه تنها ظلم به زنان تلقی می شود بلکه از سویی ظلم به مردان نیز محسوب می‌شود، زیرا این دوگانه‌انگاری جنسیتی و به‌ظاهر اعطای امتیازاتی چون حمایت از زنان و مراقبت از آنان در منزل، باعث می‌شود مردان به‌تنهایی زیر بار فشار اقتصادی و اجتماعی قرار گیرند و به منزله یکی از پایه‌های اصلی خانواده نتوانند در ایفای نقش همسر و پدر قابلیت و کارایی لازم برای همراهی با خانواده را داشته باشند. (ابوزید، ۱۳۹۷ :۷۸)

از طرفی در تفکر ابوزید، نگاه فرازمینی به زن چه از زاویه‌ای مثبت خیربین و چه از جهتی منفی و شر نگر، خیانت به زن و تخریب تلاش‌هایی است که ادیان و هر جریان نواندیش برای آزادی نوع انسان به انجام رسانده اند. در نگاه او اسطوره آفرینش در خصوص زنان، نمود خواست و امیال جامعه است که گاه باز روایت آن تمام دستاوردهای ادیان و جریان‌های نواندیش برای آزادی نوع انسان و دفاع از جایگاه زنان را از بین می‌برد. (ابوزید، ۱۳۹۸ : ۱۳۵) به این‌ترتیب، وقتی گروه‌ها درصد کنترل گروه دیگر برآیند و تلاش نمایند خصوصی ترین حوزه های فعالیت دیگری را در دست گیرند مستلزم به دست آوردن قدرت هستند که رسیدن بدین مقصود بایسته تعریف نظمی بر مبنای جنسیت و مطابق تقسیم کار جنسیتی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

در توصیف این نظم سهم زنانگی ناچیز و اندک بوده و حوزه های سیاسی سهم مردانگی می گردد. در این تقسیم کار، گروه بالا دست، تعریفی غیر واقعی از توانایی گروه تحت سلطه ارائه می دهند و چون در این تقسیم بندی نقش زنان بین اعراب در چارچوب خانه ها تعریف می شود و از اینروی در پست های مهم حکومتی و سیاسی جای ندارند.

۲-۴-زنانگی مسئله‌ای اجتماعی

در باور ابوزید زن و مباحث مربوط به او امری اجتماعی نه امری دینی محسوب می شوند . از این روی در پرداختن به زیست اجتماعی زنان، به نقد گفتمان دینی نمی‌پردازد. با اینکه اندیشمندان گفتمان دینی را از مسببان عدم برابری جنسیتی می‌داند، اما به پیاده‌نظام‌های این گفتمان یعنی روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس یا استادان دانشگاه و قضات می‌پردازد و به آرای این افراد به‌عنوان ابزار گفتمان دینی نگاه ویژه‌ای دارد و آثار این نوع تصمیمات را در تشدید فشارهای روانی و اجتماعی و اقتصادی و... بر روی زنان بی‌تأثیر نمی داند. مثلاً، رد حکم قاضی علیه احساسات زنان را حکمی علیه آنها دانسته و به مقایسه سودمندی یک زن به منزلهٔ انسان دانشمند در راستای اعتلای جامعه، با یک زن رام و آرامی که فقط وظیفه فرزندآوری و فرزندپروری را بر عهده دارد می پردازد. (ابوزید، ۱۳۸۳ : ۱۰۵)

ابوزید با دغدغه اصلاح اجتماعی در مسیر تعالی جوامع عربی و با هدف یافتن راه‌حل، ابتدا به دو مسئله می‌پردازد: نخست برای آنکه نسبت متن مقدس (قرآن) با مسئله زنان را مشخص شود به طرح این پرسش می‌پردازد که «آیا اساساً زن برای متن مقدس مسئله هست یا خیر؟» با آنکه پاسخ وی به این پرسش منفی است، اما این مسئله را دلیل بر بی‌اعتباری زن در متن نمي داند، بلکه آن را ناشي از اعتبار یکسان زن و مرد در قرآن قلمداد مي کند. مساله دیگر تحلیل احکام فقهي ویژۀ زنان و آیات مبنای صدور احکام است. از این‌روی او مباحث مطرح در خصوص زنان در اسلام را بیش از آنکه تحت‌تأثیر قرآن بداند، متأثر از تفاسیر و نهادهایی می‌داند که حول محور متن مقدس شکل‌گرفته و برای زنان جایگاه فرودست تعریف کرده‌اند. در نظر او نگاه قرآن به زنان جامعه محل نزول مترقی‌تر از زمان پیش از نزول بوده است. بنا به تاکید ابوزید، آنچه که نباید از ذهن دور داشت نگاه اصلاحی قرآن و دین اسلام به مسائل و مباحث موجود در بافت اجتماعی است و اینکه رویکرد اصلاح گام‌به‌گام و تدریجی اسلام با وفات پیامبر(ص) پایان نمی‌یابد و بلکه برعهده نبی باطنی یا همان عقل است که این روند را تا رسیدن به کمال شأن انسانی و اسلامی همه انسان‌ها ادامه دهد. (ابوزید، ۱۳۹۷: ۹)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

چنانکه می بینیم بنا به نظر ابوزید، مسئله زنان به عنوان امری اجتماعی متأثر از شرایط سیاسی و فرهنگی کشورهای عربی مسلمان است. همانگونه که می بینیم در بحث زنان و قوانین مربوط به آن، بین فرقه‌های مختلف اسلامی اختلاف وجود دارد و از طرفی قانون‌گذاران بسته به اینکه چه قرائتی از اسلام دارند، فشار خود را بیشتر در حوزه زنان متمرکز می‌کنند و بدین ترتیب جامعه اسلامی در ظواهر بین‌المللی خود یک دین با بالاترین درجه تبعیض میان زن و مرد معرفی می‌شود، درحالی‌که واقعیت چنین نیست. (جان احمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵) چه آنکه اگر نگاه قطعی قرآن به زنان منفی بود، این همه اختلاف نظر بین فرقه‌های اسلامی در مساله زنان وجود نداشت وهمه از همان حکم قطعی تبعیت می نمودند.

از سوی دیگر نمی‌توان این واقعیت تاریخی اجتماعی را از نظر دور داشت که نگاه به زن در جوامع اسلامی بازتاب نظام پدرسالاری است که پیش از اسلام در جوامع عربی نیز وجود داشته است و با آنکه ظهور اسلام عاملی در جهت تعدیل آن بود، اما پس از وفات پیامبر (ص) نظام غالب پدرسالار به موقعیت پیش از اسلام بازگشت و با بازتعریف جایگاه سیاسی اجتماعی زن به نام اسلام، با القاء این تلقی بر ذهن جامعه که مساله زنان امری دینی است و نه اجتماعی، درصدد برآمد از این رهگذر حکم قطعی صادر نماید. ازاین‌رو، مسائل زنان جدای از مسائل مردان نیست و شعار برابری میان زن و مرد در آغاز ظهور اسلام خبر از عقب ماندگی وضعیت زن پیش از اسلام داشته است همچنان پس از اسلام این عقب‌ماندگی همواره با گذشت قرنها به حیات خود ادامه داده است. اگرچه امروزه در جوامع مذکور فهم اجتماع از وضعیت انحطاط زنان و محرومیت آنان از حقوق طبیعی تا حدودی باعث تعدیل عقب ماندگی وضعیت زن در جوامع اسلامی شده است.

۳-۴-قوامیت مردانگی بر زنانگی و ارث

ابوزید در خصوص قوامیت مردانگی بر زنانگی معتقد است در قرآن آیاتی مثل آیه ۳۴ سوره نساء ساختاری وصفی وجود دارد که به‌اشتباه از آن به‌عنوان تشریع و قانون‌گذاری برداشت شده است. در خصوص فهم اشتباه از این آیه باید به واکنش پیامبر(ص) به اعتراض زنی توجه کرد که از سوی شوهرش مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود و پیامبر(ص) در این خصوص بر تساوی بنیادین میان زن و مرد تأکید کرد و اینکه در توضیح آیه ۳۴ سوره نساء آیه ۴۵ سوره مائده آمده است. ابوزید بر همین مبنا قوامیت مردان بر زنان را ناشی از تشریع حکم الهی نمی داند، بلکه آن را معلول وضعیت اجتماعی فرهنگی زمان نزول وحی در سرزمین عربستان می‌داند، که البته به‌واسطه آن نمی‌توان فضیلت مرد بر زن را اثبات کرد، بلکه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

باید آن را در راستای توصیف واقعیت موجود دانست. (ابوزید، ۲۰۰۴ :۲۱۴) او نزول آیه ۳۴ سوره نساء را بر اساس سنت و عرف رایج زمانه می پذیرد و مراد از مفهوم قوامیت در این آیه را به معنای سرپرستی مرد و مسئولیت اقتصادی و اجتماعی او تفسیر می کند. (ابوزید، ۲۰۰۴: ۲۱۴) زیرا در غیر این صورت اگر این آیه به معنای تاکید بر عدم تساوی باشد باید گفت که براین‌اساس آنچه در آیه ۲۳ سوره نمل درباره زن آمده است به‌مثابه تشریع است پس باید در آموزه‌های دینی حکومت و ولایت سیاسی، مرد و زن را مساوی دانست. (ابوزید، ۲۰۰۴ : ۲۱۶)

از دیگر موارد قابل‌بحث در نظر ابوزید، مسئله ارث است. شایان‌ذکر است که پیش از اسلام، زن مالک ارث نبود چون معتقد بودند زنان به دلیل عدم قابلیت اسب‌سواری، حمل بار و دفع دشمن از ارث بهره‌ای ندارند. اما قرآن در آیات ۱۲ تا ۱۷۶ سوره نساء پرداخت ارث به زنان را به‌عنوان فریضه به رسمیت می‌شناسد؛ بنابراین مهر حکم دینی بر آن است تا مساوات دینی که مدنظر قرآن است را به مساوات اجتماعی سرایت دهد. این در حالی است که این مسئله فقط به احکامی چون شهادت (گواهی زن) و محروم بودن از وظایفی مانند منصب قضا و غیره که گمان می‌رود زنان اهلیت آن وظایف را نداشته باشند، تسری داده شده است. درصورتی‌که این مسئله بیان وصف حال زنان آن دوره است و قانونی ازلی نیست. (ابوزید، ۲۰۰۴ : ۲۳۵) کوتاه آنکه سخن ابوزید این است که برخی احکام دینی عصری بوده است و امروزه کاربرد ندارد.

به باور ابوزید، فحوای بسیاری از احکام مربوط به زنان بدون شناخت جایگاه زن پیش از اسلام روشن نمی‌شود. زیرا در آن عصر زن را موجودی می‌دانستند که ارزش خود را از مردانی چون پدر، برادر و همسر به دست می‌آورد. این در حالی است که جریان نص در راستای گذر از وضعیت عدم تساوی زن دوره جاهلیت به‌سوی برابری زن و مرد است و این مسئله با آن که پوشیده است اما به‌راحتی از بافت نص دریافت می‌شود. (ابوزید، ۱۴۰۰ : ۳۰۷) به هرحال، ابوزید، گفتمان غالب در جهان معاصر عرب در خصوص زنان را گفتمانی قومی می داند و معتقد است از آنجا که در گفتمان دینی نیز تحت تاثیر گفتمان قومی عنصر برتر مردان هستند، حوزه فعالیت های سیاسی و اجتماعی زن در جامعه را همین امر مشخص می نماید. او برای اثبات ادعای خود به ساختار زبان عربی اشاره می نماید که بین زن و مرد تمایز گذارده است. به‌طوری که این تمایز و ضدیت بین اعراب مشاهده می گردد. در صورتی که در قرآن زنان و مردان به یک نسبت و یک واژه مورد خطاب قرار می گیرند « یا ایها الذین آمنو...». امروزه با آنکه افزایش آگاهی سنتی اعراب این ضدیت را کاهش می‌دهد، ولی مادامیکه آگاهی سنتی غالب است، وضعیت زنان رو

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

به افول است و این ضدیت همچنان بر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی نیز تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که این دوگانه‌انگاری و تخاصم و ضدیت از مسیر تأثیر بر فضای سیاست و اجتماع ، به تعریف و تعیین محدودیت حقوق زنان عرب منجر شود.

البته بر روش مطالعاتی نصر حامد ابوزید و همچنین اندیشه هایش نقدهایی وارد است که ذیلا به صورت مختصر چند مورد اشاره می شود.

-روش مطالعاتی: در مطالعات اسلامی روش هرمنوتیک فلسفی به علت نسبیت گرایی معرفتی، مفسر محوری ، عدم حجیت ظهور الفاظ و تسلسل در فهم، با روشهای مطالعاتی فهم متن در مطالعات اسلامی به طور اعم و متن قرآن به طور اخص در تعارض است و نمی تواند به عنوان روش مناسب برای تفسیر قرآن محسوب شده و به کار آید.

- عدل اجتماعی: بسیاری از متفکران بر این باورند که برتری وجودی و ذاتی دراسلام به رسمیت شناخته نشده است. (Asma Barlas ,2002: 4) بن مایه این تفکر جهان بینی توحیدی است در این نگرش جهان هستی به سان یک وحدت تلقی شده است و برابری اجتماعی رعایت عدل تعریف شده است و عدل به قرار گرفتن هر چیزی در جای خود گفته می شود یعنی زن و مرد در عدل اجتماعی مورد تعریف در اسلام بر اساس نقش خود هر یک در جایگاه ویژه خود قرار دارند و جنسیت برتری نمی آورد بلکه تفاوت ایجاد می نماید. (Naeem jenab,2001:70-36)

- سکولاریسم: از آنجایی که انسانها مخلوق خداوند هستند فقط خداوند و کسانی که از طرف او اذن وضع احکام و قوانین و حکومت بر جامعه را دارند از اینروی سکولاریسم و عقل گرایی افراطی، نمی تواند سعادت اخروی و تکامل همه جانبه ابعاد وجودی انسانها را برتابد.(مصباح یزدی، ۱۳۷۷ : ۲۵)

-ارث: در اسلام زن و مرد مکمل یکدیگر تعریف شده اند که بر اساس ساختار وجودی خویش نقش و وظایف معینی بر عهده دارند که این وظایف، میزان حق الارث بین زن و مرد را تحت الشعاع قرار می دهد. (نصر، ۱۳۸۵ : ۱۵۲-۱۵۴) برای مثل به چند مورد اشاره می شود. الف)اموالی که دختران در هنگام ازدواج از خانواده پدری تحت عنوان جهیزیه به خانه همسرانشان می برند ب) وظیفه امرار معاشی که در زندگی مشترک بر عهده مردان گذارده شده است. (زیرا مردان سرپرست همسرانشان محسوب می شوند و موظف به پرداخت نفقه هستند) ج)اموری چون جهاد که بر مردان واجب بوده و زنان را شامل نمی شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۵۷-۱۵۶)

-زبان شناسی : قرآن انعکاسی از فرهنگ زمانه نزول نبوده به عبارتی محصول فرهنگی نیست زیرا با

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

قبول این فرض، الهی بودن آن انکار می گردد و جنبه بشری می یابد از طرفی هر شخصی که به زبان قومی دیگر گفتگو می نماید بایسته همگامی در کاربرد واژگان آن قوم است تا به تفاهم دست یابد این بدان معنا نیست که بار محتوایی واژگان را پذیرفته است و این مساله در مورد قرآن هم مصداق می یابد. (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

نتیجه گیری:

مروری بر دیدگاه‌های حامد ابوزید در باره نگاه منصوص قرآن و سنت پیامبر (ص) به حقوق زنان و از طرفی توجه او به تأثیر روند دگرگونی تاریخی تلقی مسلمانان از آن نگرش اولیه اسلام ، گویای آن است که ابوزید با برقراری ارتباطی معنادار بین فرهنگ زمانه و متن منصوص، به این نتیجه می رسد که دین اسلام نه تنها نقش اجتماعی زنان را محدود ننموده است، بلکه درمقایسه با زمان جاهلیت، موقعیت و جایگاه آنان را ارتقاء نیز داده است. با این‌حال، نکته قابل تامل در نظر ابوزید این است که چون مفسران قرآن مردان هستند، آنان به عمد امکان و اجازه گسترش جایگاه زنان در مناسبات اجتماعی را ندادند و به این دلیل تعریف جایگاه زن در این باره از زمان ظهور اسلام تا به امروز در جهان عرب تغییر چندانی نکرده است و این تعمد باعث شده است که برغم گذر زمان و تغییرات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جوامع مختلف، جایگاه و نقش زنان در این جوامع به همان میزان و معنایی باشد که در ۱۴۰۰ سال پیش تعریف گردیده بود و بنابراین، گذشت زمان هم موجب تحول و پیشرفتی در موقعیت آنان نشده است. به این ترتیب، با آنکه از نظر حامد ابوزید در بینش سیاسی اسلام گونه‌ای تساوی بین زنانگی و مردانگی وجود دارد، اما به دلیل حاکمیت دیرینه مردان بر مناسبات سیاسی و اجتماعی جوامع مسلمان و از طرفی استفاده آنان از ابزار قدرت سیاسی، روند تحولات بنحوی بوده است که به فراگیری تفوق و سلطه سیاسی و اجتماعی و حقوقی مردان بر زنان منجر شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

منابع:

-ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۳) نقد گفتمان دینی، ترجمه حسن یوسفی اشکوری و محمد جواهر کلام، چ ۲، تهران: یادآوران.

- ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۸) معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، چ ۶،تهران: طرح نو.

-ابوزید نصر حامد (۱۴۰۰)چنین گفت ابن عربی، ترجمه سید محمد راستگو، چ ۱۱، تهران: نشر نی.

-ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۷) دایره‌های ترس: زنان در گفتمان دینی، ترجمه ادریس امینی، چ ۱، تهران: نشر نگاه معاصر.

- ابوزید، نصر حامد، (۱۳۹۱) «حقوق زن در اسلام و بازگشت به قرآن» مهر نامه، ش ۲۰.

-ابوزید، نصر حامد (۲۰۰۴) دوائرالخوف، الطبعة الرابعة، بیروت: المرکـز الثقـافی العربـی.

-ابوزید، نصر حامد، (۱۹۹۲) المنهج الوافی فی فهم النصوص الدینیه، بیروت: الهلال.

-بوزید، نصر حامد، (۱۹۹۹)، اشکالیات القرائه و الیات التاویل، مرکز الثقافی العربی، بیروت: الطبعه الخامسه.

- ابوزید ، نصر حامد (۱۳۸۴) «مفهوم النظم عند عبدالقاهر جرجانی ، قراء فی ضوء الاسلوبیه» ، قاهره: فصول، ش۱

-ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴) مبانی علم سیاست، ج۱، چ ۷، تهران: انتشارات توس.

- احمدی علی آبادی، کاوه (۱۳۸۷) گذر و نقدی بر روش‌شناسی و روش تحقیق Bashgah. Net.

-انلو، سینتیا، (۱۳۷۶) « جنسیت و سیاست»، ترجمه عزت الله فولادوند، فصلنامه کلک، شماره ۸۹ .

- بلایشیز، ژوزف (۱۳۹۳) گزیده هرمنوتیک، ترجمه سعید جهانگیری، چ ۱، آبادان: پرسش.

-بهرامی، جواد(۱۳۸۷) «ساخت گرایی از اروپایی تا مارکسیستی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۳.

- پالمر، ریچارد. ا. (۱۴۰۱) علم هرمنوتیک، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.

- جان احمدی، افشاری فر، آقاجری، فاطمه، راضیه، سیدهاشم (۱۴۰۰) «رهیافت جامعه‌شناختی نصر حامد ابوزید به مسئله زن، در جهان معاصر عرب» فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۳، شماره ۱ .

- حقیقت، سید صادق(۱۳۹۸)روش شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.

-خسروپناه، عبدالحسین(۱۳۸۸)پلورالیسم دینی و سیاسی، تهران:کانون اندیشه جوان.

- درخشه، جلال (۱۳۹۳) «کاربرد روش تحلیل هرمنوتیک در مطالعات اسلامی» پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳.

- ریکور، پل (۱۳۶۸) «رسالت هرمنوتیک» ترجمه یوسف‌علی آبادی، مجله فرهنگ، شماره ۵-۴.

-سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۸) «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸ .

-سوسور، فردیناند(۱۳۸۶) «ساختارگرایی و نظام های نمادین» ترجمه کمیل نظام بهرامی، فصلنامه رسانه، شماره ۷۲.

- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۴) تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، چ ۴، تهران: انتشارات کویر.

- عرب صالحی، محمد، (۱۳۹۳) مجموعه مقالات جریان‌شناسی و نقد اعتزال نو، چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- عالم، عبدالرحیم (۱۴۰۱) بنیادهای علم سیاست، چ ۸،تهران: نشر نی.

- فوکو، میشل، (۱۳۹۰) اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، چ ۶، تهران: نشر نی.

- کمالی اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸) بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، چ ۱، تهران: دانشگاه امام صادق.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

- کاپلستون، فردریک، (۱۳۸۵)، تاریخ فلسفه، ترجمه داریوش آشوری، ج۷، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی سروش.
- منصور زاده، محمدباقر (۱۳۹۶) «بررسی مبانی اندیشه‌های سیاسی در میان نومعتزلیان با تأکید بر آراء نصر حامد ابوزید» فصلنامه سیاست، سال ۴،ش ۱۳.
- منوچهری، عباس (۱۴۰۰) رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
-مصباح یزدی، محمد تقی(۱۳۷۷)حکومت و سیاست در قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
-معرفت، محمد هادی(۱۳۸۸)نقد شبهات پیرامون قرآن ، ترجمه حسن حکیم باشی و دیگران، قم: موسسه فرهنگی تمهید، ج۱.
-مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۸۰) بحوث الفقهیه هامه، قم، مدرسه امام علی(ع).
-نصر، سید حسن(۱۳۸۵) معارف اسلامی در جهان معاصر، تهران: علمی - فرهنگی.
- نعمتی، مهرانگیز (۱۳۹۸) بازخوانی فلسفی متون دینی در باب حقوق زنان از منظر نواندیشان، کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
-واعظی، احمد(۱۳۹۳) هرمنوتیک، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
-هادوی تهران، مهدی(۱۳۷۷) مبانی کلامی اجتهاد، تهران:خانه خرد.
-هادوی تهرانی، مهدی(۱۳۸۴)«هرمنوتیک و تفسیر قرآن»فصلنامه معارف، ش۲.
- یورگنسن، فیلیپس، ماریان، لوئیز (۱۳۹۴) تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی .
-Abuzayd,N.(2000).Circles fear,reading in the speech about women. Beirot:Arab cultural. (In Arabic).
-Ahmad H R (2020) .Figh Pluralism: Comprehensive Analysis of Nurkholish Majid ideas Regarding Hermeneutics. Vol 55 No 1.
- Asma Barlas, Believing Woman in Islam : Un- rading Patriarchal inter preatations of the Qur` an university of Texas press 2002.
-Edalat Nejat,S.(2001) Review and analysis of ideas Nasr Hamed Abu Zyed. Tehran: Mashe Emrooz.(in persion).
-Frank R (2021) . Hermeneutic Dialogue and Shaping the Land scape of Theoretical and Philosophical psychology.
-Gadamer,H.G(1975)Thruth and Method G.Barden and J.Cuming(eds),London:sheed and ward LTD.
-Mclean,Iain (1996)The concise Oxford Dictionary if Politics,Oxford university press.
-Nur Z N.(2012).Poligami menurut pandangan nasr Hamid Abu Zayd. Paper presented at the World Conference on Islamic Thought 2012. Kolej Universiti Islam Sultan Azlan Shah Perak.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]

-Nur Z N.&Latifah m .(2014).Nasr Hamed Abu Zayd as a Modern Muslim Thinker NUR ZAINATUL NADRA ZAINOL LATIFAH ABD NAJIB ABDUL KADIR. International Journal of Islamic Thought ISSN –2232-1314.

-Na` eem Jenab(2001) "Towards an Islamic feminist Hermenutic" – journal for Islamic student vol:21 Cap Town: center for contemporary Islam2001.

-NADIA OWEIDAT(2013)" NASR HAMID ABU ZAYD AND THE LIMITS OF REFORM IN

CONTEMPORARY ISLAMIC THOUGHT",St. Antony's College University of Oxford in Michaelmas

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۲۰۶

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

محمدی پرفکر، رویا؛ اطهری مریان، سید اسداله؛ شمسینی غیاثوند، حسن (۱۴۰۲)، «نگاه نصر حامد ابوزید به نسبت جنسیت و سیاست در اسلام» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۲، تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۴۴-۱۲۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-08]